

متن پرسش

سلام علیکم: استاد عزیز، نوجوان ۱۷ ساله ای هستم که بحمدالله با مطالعه آثار شما توانستم در مبانی معرفت دینی بهتر تعمق کنم و عشقم به انقلاب بیشتر و بیشتر شود و الان بعنوان یک نیروی فرهنگی مشغول بکارم و در تبیین انقلاب اسلامی و معرفت دینی توانستم خدا رو شکر به مدد الهی و مطالعه ویژه آثارتون با هم سن و سالهای خودم و جوانان و نوجوانان هم صحبت بشم و تبیین معارف در حد مطالعات خودم بکنم. دیدم که غالبا به نوجوانان توصیه دارید که کتاب جوان و انتخاب بزرگ یا کتاب چه نیازی به نبی رو بخوندند و خب من در عین مطالعه این آثار، خودم مشتاق شدم و خانواده علی الخصوص مادرم که مدرس فلسفه هستند، دیگر آثارتون در بحث انقلاب اسلامی، معرفت النفس و غربشناسی رو هم مطالعه کردم و توانستم در همین سن یک گام مهم بردارم. هدفم این بود که یک نیروی حقیقی انقلاب و تمدن نوین اسلامی باشم و از همین اکنون زندگی منظم و منضبط رو در راستای هدف بزرگ زندگی ام بچینم. اما استاد گاهی در برنامه ریزی و کارهایم، حالت خوف پیدا می‌کنم. می‌گویم نکند الان کار بهتری برای انقلاب می‌توانم بکنم و نمی‌کنم و نکند همچنان ظرفیت نفس مجرد و روح ام آماده برای برداشتن در این مسیر نشود و گاهی ناراحتم که برنامه های آموزش و پرورش چرا خودش مانعی برای ماندن در صراط انقلاب و اینکه انسان انقلاب باشم نه انسان در بستر دولت شهرهای مدرن. امیدوارم روزی نیاید که چند سال بعد کلا از این مسیر برگردم و چند سال بعد با بدبینی گذشته ام را ببینیم و بگویم چرا من در راه انقلاب و تمدنش بودم و نباید در این راه می‌رفتم و این راه خطا بود. برخی از آشنایان و افرادی که می‌شناسم، اول پیروزی انقلاب خودشان انقلابی و یاور امام و مبارز بودند ولی الان صد و هشتاد درجه از مسیر آن سالها برگشته اند و از طرح ریزی آن سالهایشان ناراحت اند و الان با اندیشه انقلاب رسماً زاویه دارند. امیدوارم روزی چنین نرسد که برنامه ها و فعالیت های کنونی ام در راستای آن هدف بزرگ و این فعالیت‌م در عرصه فکری-اجتماعی برای انقلاب مرا ناراحت کند و مواضع زاویه دار و خلاف راه انقلاب و امام که اکنون مطمئنم مسیر حیات بخش بشر است، بگیرم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱. آنچه به سراغ شما می‌آید و شما را در برمی‌گیرد، همانی است که باید باشید پس جای نگرانی نیست که بگویید نکند باید کار بهتری کرد. نمونه ی این نحوه سلوک را در کتاب «خون دلی که لعل شد» می‌توانید بیابید که چگونه رهبر معظم انقلاب خود را در معرض آنچه

ایشان را در بر می‌گرفت، قرار می‌دادند اعم از تأمل در قرآن و حتی مطالعه‌ی رمان‌های مهم دنیا ۲. عمده، رویکرد ما به انقلاب است. رویکرد سیاسیون و نگاه حزبی، شایسته‌ی ماندن در انقلابی که بناست افق بشر را در جهانی ماورای دنیای سکولار به ظهور آورد، نیست. رویکرد صحیح شهید قاسم سلیمانی‌ها و شهید آوینی‌ها موجب شد راهی بس گشوده در بستر انقلاب مقابل آن‌ها گشوده شود، در آن حدّ که آن افراد خود را امیدوارترین افراد نسبت به آینده و در جهانی احساس می‌کردند که جهان خمینی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» و جهانِ توبه‌ی بشر است. موفق باشید